

تاریخ جادوگری در آمریکای شمالی

قانون رپاپورت^۱

در سال ۱۷۹۰، «امیلی رپاپورت»^۲، پانزدهمین رئیس ماکوزا^۳، قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن جامعه‌ی جادوگران و بی‌جادوها به طور کامل جداسازی شدند. این اتفاق در پی یکی از جدی‌ترین نقض‌های قانون بین‌المللی رازداری رخ داد که منجر به استیضاح تحقیق‌آمیز ماکوزا توسط کنفدراسیون بین‌المللی جادوگران شد. دلیل اهمیت بسیار زیاد این مسئله آن بود که تخلف از درون خود ماکوزا سرچشمه گرفته بود.

خلاصه آنکه، این فاجعه به دختر «حافظ خزانه و دراگوت»^۴ برمی‌گشت که مورداعتماد رئیس کنگره رپاپورت بود («دراگوت» واحد پول جادویی آمریکا است و «حافظ دراگوت»، همان‌گونه که از عنوانش مشخص است، تقریباً معادل وزیر خزانه‌داری است). «آریستوتل توولوتریز»^۵ مردی باکفایت بود، اما دخترش، «دورکوس»^۶، به همان اندازه که زیبا بود کم‌هوش بود. او در ایلورمورنی^۷ دانش‌آموزی ضعیف بود و در زمان طی مدارج اداری توسط پدرش در خانه زندگی می‌کرد و به‌ندرت جادویی را اجرا می‌کرد، در عوض تمرکز خود را بر روی لباس‌هایش، آرایش موهایش و مهمانی‌ها گذاشته بود.

روزی، در یک پیک‌نیک محلی، دورکوس توولوتریز علاقه‌ی شدیدی نسبت به بی‌جادوی خوش‌قیافه‌ای به نام «بارتالومئو پربون»^۸ پیدا کرد. چیزی که دورکوس از آن بی‌خبر بود این بود که بارتالومئو از نوادگان پویندگان^۹ بود. هیچ‌کس در خانواده‌اش جادوگر نبود، اما اعتقادش به جادو چنان عمیق و محکم بود که اعتقادش به پلیدی تمام ساحره‌ها و جادوگران.

¹ Rappaport

² Emily Rappaport

⁴ Dragot

⁵ Aristotle Twelvetrees (تلفظ: توولوتریز)

⁶ Dorcus

⁷ Ilvermorny

⁸ Bartholomew Barebone

⁹ Scourer

^۳ کنگره‌ی جادویی ایالات متحده‌ی آمریکا. م.

دورکوس که کاملاً از خطر غافل بود، علاقه‌ی مؤدبانه‌ی بارتالومیو به «تردستی‌های کوچکش» را بی‌هیچ فکری باور کرد. دورکوس با سؤالات معصومانه‌ی خاطرخواهش ترغیب شد و آدرس محرمانه‌ی ماکوزا و ایلومورنی را با او در میان گذاشت، به‌علاوه‌ی اطلاعاتی در خصوص کنفدراسیون بین‌المللی جادوگران و تمام روش‌هایی که این گروه‌ها به منظور حفاظت و پنهان نگه داشتن جامعه‌ی جادوگری به کار می‌بردند.

بارتالومیو که به اندازه‌ای که می‌توانست از او اطلاعات کسب کرده بود، چوبدستی‌ای که دورکوس از روی مهربانی به او نشان داده بود را دزدید، به هر روزنامه‌نگاری که دستش رسید نشان داد، سپس دوستان مسلحش را جمع کرد و شروع به کار کردند تا تمام ساحره‌ها و جادوگران مجاورشان را مورد آزار و اذیت قرار دهند و ترجیحاً بکشند. بارتالومیو اعلامیه‌هایی نیز چاپ کرد که نشان‌دهنده‌ی محل اجتماع ساحره‌ها و جادوگران بود و نامه‌هایی را برای بی‌جادوهای سرشناس فرستاد که برخی از آنان لازم دیدند صحت و سقم برگزاری «جشن‌های جادویی اهریمنی» را در مکان‌های توصیف‌شده بررسی کنند.

بارتالومیو بریون که در رسالت خود برای افشای جادوگری در آمریکا سر به هوا شده بود، پایش را از گلیمش درازتر کرد و به افرادی که فکر می‌کرد گروهی از جادوگران ماکوزا هستند شلیک کرد، اما بعداً مشخص شد که بی‌جادوهای بدشانی بوده‌اند که از ساختمان مشکوکی که او در حال نظارت بر آن بود خارج شده بودند. خوشبختانه کسی کشته نشد و بارتالومیو بدون نیاز به دخالت ماکوزا دستگیر و به خاطر جرمش راهی زندان شد. این اتفاق آرامش خاطر عظیمی برای ماکوزا بود که سعی داشت از پس پیامدهای گسترده‌ی بی‌احتیاطی دورکوس برآید.

بارتالومیو اعلامیه‌هایش را به طور گسترده‌ای پخش کرده بود و روزنامه‌های معدودی نیز آن‌قدر حرف‌های او را جدی گرفته بودند که تصاویری از چوبدستی دورکوس را چاپ کرده و توضیح دادند که اگر تکان داده شود «ضربه‌ی محکمی وارد می‌کند». ساختمان ماکوزا چنان کانون توجه قرار گرفت که مجبور شدند محل آن را تغییر دهند. همان‌گونه که رئیس کنگره رپاپورت در یک تحقیق و تفحص علنی مجبور شد به کنفدراسیون بین‌المللی جادوگران بگوید، نمی‌توانست مطمئن باشد که تک‌تک کسانی که از اطلاعات دورکوس مطلع شده بودند خاطراتشان با طلسم فراموشی پاک شده باشد. این رخنه چنان جدی بود که آثار بعدی آن تا سال‌های زیادی احساس می‌شد.

با اینکه بسیاری از افراد جامعه‌ی جادوگری تلاش کردند که دورکوس حبس ابد شده یا حتی اعدام شود، او تنها یک سال در زندان حبس شد. او که در همه‌جا بدنام شده بود و در رنج روانی شدیدی بود، در جامعه‌ی جادوگری بسیار متفاوتی ظاهر شد و روزهای آخر عمرش را در انزوا گذراند و یک آینه و طوطی‌اش عزیزترین مونس‌های او بودند.

بی‌احتیاطی دورکوس منجر به وضع قانون رپاپورت شد. قانون رپاپورت جداسازی مطلق میان جامعه‌ی بی‌جادوها و جادوگران اعمال می‌کرد. جادوگرها دیگر اجازه نداشتند با بی‌جادوها دوستی یا ازدواج کنند. مجازات برقراری روابط دوستانه با بی‌جادوها بسیار شدید بود. ارتباط با بی‌جادوها محدود به مقداری بود که برای انجام فعالیت‌های روزانه لازم بود.

قانون رپاپورت رفته رفته باعث ایجاد تفاوت‌های فرهنگی عمده‌ای میان جامعه‌ی جادوگری آمریکا و اروپا شد. در بزرگ‌ترین، همواره مرتبه‌ای از ارتباط و همکاری سزی میان دولت‌های بی‌جادو و هم‌تایان جادویی‌شان وجود داشته است. در آمریکا، ماکوزا به طور کاملاً مستقل از دولت بی‌جادوها عمل کرد. در اروپا، ساحره‌ها و جادوگران با بی‌جادوها ازدواج می‌کردند و با آن‌ها دوست بودند؛ در آمریکا، بی‌جادوها به طور روزافزون به عنوان دشمن قلمداد می‌شدند. خلاصه‌ی کلام آنکه قانون رپاپورت جامعه‌ی جادوگری آمریکا را که خود با بی‌جادوهای بیش از حد شکاکی سر و کار داشت، بیش از پیش به حاشیه راند.

جی.کی.رولینگ - پاترمور

ارائه‌ای از وب‌سایت دمنتور

ترجمه: حسین غریبی